

ای کاروان

ای کاروان ای کاروان آهسته رو آهسته رو
این عاشق آشفته را در سوک معشوق می بری
رنجیده دل افسرده را در جوی دلبر می بری
دل می بری جان می بری معشوق به منزل می بری

ای کاروان ای کاروان آهسته رو آهسته رو
این آتش افروخته را با خود به معبد می بری
این ساقی درمانده را در خانه می می بری
دل می بری جان می بری ساقی به میکد می بری

ای کاروان ای کاروان آهسته رو آهسته رو
این شعله شکسته را همچون پی باد می بری
این شمع نیمه سوخته را دنبال آتش می بری
دل می بری جان می بری شعله به معبد می بری

ای کاروان ای کاروان آهسته رو آهسته رو
مست و خراب و تشنه را در خدمت می می بری
تاریک دلان خفته را در محضر نور می بری
دل می بری جان می بری مستان به نیستان می بری

ای کاروان ای کاروان آهسته رو آهسته رو
این مست دیوانه را همچون پی می می بری
دلدار از دست رفته را دنبال دلبر می بری
دل می بری جان می بری دلدار به کعبه می بری

ای کاروان ای کاروان آهسته رو آهسته رو

مسافران تشنه را راه بیابان می بری
هجران دلان مست را در جمع رندان می بری
دل می بری جان می بری رندان به مقصد می بری

ای کاروان ای کاروان آهسته رو آهسته رو
رندان ناحق رفته را بالای ممبر می بری
آن خادمان حق را در خانه حبس می بری
دل می بری جان می بری هستی به نیستی می بری

ای کاروان ای کاروان آهسته رو آهسته رو
شاه و گدا را می بری بی بار و بی ساز می بری
مستان و رندان جملگی در خدمت خاک می بری
دل می بری جان می بری نیستی به هستی می بری

عطا ثروتی

تمام حق و حقوق این شعر به عطا ثروتی تعلق دارد و هر گونه استفاده از آن برای
استفاده مالی اکیداً ممنوع می باشد.

© 2009 Ata Servati. Unauthorized duplication or publication
is prohibited.

